Studies on Understanding Hadith
P-ISSN: 2588-3895
E-ISSN: 2588-4417
DOI: 10.30479/mfh.2022.2606

Studies on Understanding Hadith. Vol. 9, Issue. 1 (No. 17), Autumn 2022 & Winter 2023, pp. 9-29

Provide an Executive Mechanism of "List Analysis" Along with Implementation on Samples

Seyyed Reza Shirazi[1]

Abstract

One of the new methods of evaluating hadith is list analysis. The lack of a mechanism for implementing this method is one of its shortcomings in order to open its way to scientific and public gatherings. In this article, after a general explanation of list analysis, its implementation mechanism is presented and used to evaluate two narratives. The proposed mechanism is in terms of data collection in a library method and in terms of descriptive-analytical nature. This mechanism has been obtained by extracting objective samples of list analyzes from Ayatollah Madadi's Kharij courses and their analysis. List analysis is a kind of historical case study of hadith with a realistic approach that uses them by localizing the techniques of other evaluation methods. In this method, the first step is to evaluate the rijali and list check. If the narration has a rijali validity and a list, the content of the narration will be followed in three historical stages: the space of issuance, the reaction of the Ahl al-Bayt, and the stage of transfer to the fatwa.

Keywords

Executive Mechanism, Hadith Evaluation, List analysis, Waghfiyeh, Issuance Space.

Article Type: Research

1. Assistant Professor of the Razavi Islamic Sciences Research Institute.
Email: srshirazi@islamic-rf.ir.

Received on: 29/08/2021 Accepted on: 06/12/2021

Publisher: Imam Khomeini International University.

مطالعات فهم حدیث
شاپا چاپی: ۲۸۹۵-۲۵۸۸
شاپا الکترونیکی: ۴۴۱۷-۲۵۸۸
DOI: 10.30479/mfh.2022.2606

ارائه‌ی سازوکار اجرایی «تحلیل فهرستی» به همراه پیاده‌سازی بر نمونه‌ها[1]

سیدرضا شیرازی[2]

چکیده

یکی از روش‌های نوین ارزیابی حدیث، تحلیل فهرستی است. عرضه نشدن سازوکار اجرای این روش یکی از کاستی‌های آن در جهت گشودن راه خود به مجامع علمی و همگانی شدن است. در این مقاله پس از تبیین کلی تحلیل فهرستی، سازوکار اجرای آن ارائه شده و برای ارزیابی دو روایت به کار گرفته می‌شود. سازوکار ارائه شده از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. این سازوکار از استخراج نمونه‌های عینی تحلیل‌های فهرستی از درس‌های خارج آیت‌الله مددی و فراتحلیل آن‌ها حاصل گردیده است. تحلیل فهرستی نوعی موردکاوی تاریخی حدیث با رویکرد واقع‌گرایانه است که با بومی‌سازی تکنیک‌های روش‌های ارزیابی دیگر از آن‌ها بهره می‌برد. در این روش مرحله اول ارزیابی بررسی رجالی و فهرستی است. در صورتی که روایت دارای اعتبار رجالی و فهرستی باشد، مضمون روایت در سه مرحله تاریخی: فضای صدور، واکنش اهل بیت (ع) و مرحله‌ی انتقال به فتوا پیگیری می‌گردد.

کلیدواژه‌ها

سازوکار اجرایی، ارزیابی حدیث، تحلیل فهرستی، واقفیه، فضای صدور.

نوع مقاله: پژوهشی

---

۱. این مقاله از طرح پژوهشی تحلیل فهرستی: چیستی، مبانی، سازوکار اجرایی (با تأکید بر نمونه‌های فقهی و اصولی) استخراج شده است.

۲. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی. srshirazi@islamic-rf.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

یکی از روش‌های نوین ارزیابی حدیث، تحلیل فهرستی است که توسط آیت‌الله سیداحمد مددی ابتکار شده است. بیش از یک دهه درباره‌ی این روش بحث‌های نظری شده است. این روش در گشودن راه خود به مجامع علمی و همگانی شدن به کارگیری آن، با کمبودهایی مواجه است. یکی از این کمبودها ناشناخته بودن سازوکار اجرایی این روش است. روش علمی نمی‌تواند وابسته به فرد باشد. روش اجرای آن باید قابلیت آموزش و به‌کارگیری توسط دیگران را داشته باشد. تحلیل فهرستی برای اثبات خود، باید خروجی‌های خود را عرضه نماید تا با دیگر روش‌های ارزیابی حدیث مورد مقایسه قرار گیرد و کارشناسان آن‌ها را بررسی و نقد کنند. اگرچه استاد مددی بیش از دو دهه از این روش در ارزیابی احادیث در ضمن درس‌های خارج فقه و اصول خود بهره برده‌اند، اما متاسفانه سازوکار اجرایی برای آن به قلم ایشان ارائه نشده است. بلکه، هنوز احادیثی که آیت‌الله مددی بدین روش در خلال درس‌های خارج فقه و اصول ارزیابی نموده‌اند به صورت نگاشته‌های علمی به مجامع پژوهشی ارائه نشده است.

در این مقاله جهت برطرف کردن این کمبود، پس از تبیین کلی تحلیل فهرستی، سازوکار اجرای آن ارائه شده و برای ارزیابی دو روایت به کار گرفته می‌شود. سازوکار ارائه شده از استخراج پرمشقت[۱] نمونه‌های عینی تحلیل‌های فهرستی از درس‌های خارج آیت‌الله مددی و فراتحلیل آن‌ها حاصل گردیده است. بدیهی است که درس‌های فقه و اصول اهداف خاص خود را دارند و روش ارزیابی حدیث در آن درس‌ها متناسب با آن اهداف است. به همین خاطر گاهی ارزیابی روایت نیمه‌کاره می‌ماند و گاهی خلأهای موجود در ارزیابی حدیث با قواعد فقهی و اصولی یا اصول عملیه پر می‌گردد. از این‌رو و به جهت یک‌نواختی سازوکار ارائه شده برای نمونه‌های متعدد، اضافه بر استناد به سخنان مبدع روش، در روش اجرا شده در آن دروس بر دو روایت تغییراتی داده شده و خلأهایی که از بعضی جهات در ارزیابی حدیث وجود داشت توسط نگارنده پر گردید.

اولین نگاشته‌های علمی نسبت به تحلیل فهرستی به سال ۱۳۸۵ بازمی‌گردد

۱. به دلایل متعدد مانند پراکندگی و تکرار مطالب، اختلاط با موضوعات مختلف دیگر (اجتهادی، فقاهتی، اصولی، نحوی، لغوی، تاریخی و ...)، تطبیق با منابع و یافتن استناد برخی مطالب و ... (همسان با: عمادی حائری، ۱۳۸۸ش، ۷۷).

(شـیرازی و ملکـی، ۱۴۰۱ش: پیشـینه). امـا تنهـا نوشـته‌ای کـه تلاشـی در جهـت ارائـه سـازوکاری بـرای تحلیـل فهرسـتی برآمـده اسـت در سـال ۱۳۹۷ انتشـار یافـت (میرزایـی، ۱۳۹۷ش). در فصـل سـوم کتابچـه‌ی «بررسـی روایـات بـه روش فهرسـتی» بـرای اجـرای بررسـی فهرسـتی ۹ مرحلـه ذکـر گردیـده شـده اسـت. مشـکل ایـن نگاشـته عـدم برداشـت صحیـح از تحلیـل فهرسـتی اسـت (شـیرازی و ملکـی، ۱۴۰۱ش: برداشـت دوم). برخـی از شـاگردان اسـتاد مـددی تـلاش نموده‌انـد در آثـار خـود روش تحلیـل فهرسـتی را بـه‌کار گیرنـد و روایـات را بدیـن روش ارزیابـی کننـد (خدامیـان آرانـی، ۱۴۳۲ق؛ همـو، ۱۴۳۰ق و ...). ایـن آثـار عـلاوه بـر ایـن کـه بـا نوشـته‌ی سـابق در برداشـت ناصحیـح اشـتراک دارنـد، در آنهـا روشـی بـرای اجـرای تحلیـل فهرسـتی ارائـه نشـده اسـت.

۲. تحلیل فهرستی

تحلیـل فهرسـتی روشـی بـرای ارزیابـی حدیـث اسـت کـه بـر اسـاس تجمیـع شـواهد و تجزیـه و تحلیـل آن‌هـا و نتیجه‌گیـری نسـبت بـه اعتبـار روایـت اسـت. تحلیـل فهرسـتی روشـی پویاسـت و بـا گذشـت زمـان زوایـای خـود را کامـل می‌کنـد. در ایـن روش ارزیابـی، پژوهشـگر در ضمـن ایـن کـه نتایـج پژوهشـی کـه بـدان مشـغول اسـت را معلـوم می‌کنـد، روش خـود را تکمیـل و اصـلاح می‌کنـد. در حقیقـت، نتایـج جدیـد بـر کل نتیجه‌هـای پژوهش‌هـای سـابق سـایه می‌افکنـد و آن‌هـا را تاییـد یـا تصحیـح و حتـی در مـواردی اشـتباه آن‌هـا را ثابـت می‌کنـد. هسـته‌ی اولیـه تحلیـل فهرسـتی بـر مجموعـه فرضیه‌هایـی اسـتوار گشـته و پـس از انجـام هـر پژوهشـی آن فرضیه‌هـا، تأییـد شـده و تبدیـل بـه نظریـه می‌شـوند یـا تکمیـل یـا اصـلاح می‌شـوند. فرضیه‌هایـیماننـد: اکثـر تـراث حدیثـی موجـود شـیعه بـه اواخـر قـرن اول و نیمـه اول قـرن دوم برمی‌گـردد. شـیعیان امامـی چـون اعتقـاد بـه امـام معصـوم داشـتند، بـا عرضـه‌ی روایـات گفتـاری و نوشـتاری بـه ایشـان، احادیـث را ارزیابـی می‌کردنـد. اسـاس فهرسـت نـزد شـیعه، در قـم و اسـاس رجـال آنـان در کـش و سـمرقند تشـکیل شـده اسـت. بیشـتر آن‌چـه کـه در فهرسـت نجاشـی و طوسـی موجـود اسـت اخـذ شـده از فهرسـت‌های قبـل از آن‌هاسـت کـه در قـم موجـود بـوده اسـت (خدامیـان آرانـی، ۱۳۸۹ش، ۱: ۳۸-۴۲).

اطلاعـات رجالـی موجـود در رجـال کشـی، اخـذ شـده از امثـال نصربن‌صبـاح، عیاشـی، جبرئیل‌بن‌احمـد فاریابـی اسـت (رحمـان سـتایش، ۱۳۸۴ش، ۴۷۹-۴۸۴) و .... ایـن روش در ادامـه حیـات خـود دائمـاً بـه فرضیه‌هـای خـود می‌افزایـد و آن‌هـا را حـک

و اصلاح می‌کند. این روش به مثابه‌ی نرم‌افزاری متن‌باز[۱] است که هسته‌ی اولیه آن توسط آیت‌الله مددی ساخته شده است و تا کنون توسط ایشان توسعه داده شده است.

تحلیل فهرستی از روش‌های ارزیابی قبل از خود بهره برده و بدان‌ها وامدار است و البته این بهره‌گیری‌ها بر اساس مبانی تحلیل فهرستی است. در این روش، حدیث اعتباری ماورای عالم واقع ندارد که این روش آن را کشف نماید. بلکه اعتبار روایت به اندازه‌ی وثوق به کاشفیت روایت از واقع است. در فرآیند تحلیل فهرستی اعتبار حدیث (واقع‌نمایی) دستخوش تغییر قرار می‌گیرد. در فرآیند اجرای تحلیل فهرستی درجه‌ی اعتبار حدیث به صورت پیوسته[۲] افزایش یا کاهش می‌یابد. اعتبارسنجی احادیث دیگر مرتبط با حدیث مورد ارزیابی بر اعتبار آن حدیث تأثیر گذاشته و آن را تغییر می‌دهد. از این رو خروجی ارزیابی روایت به روش تحلیل فهرستی با خروجیِ روش ارزیابی رجالی مرسوم تفاوت دارد. در روش رجالی مرسوم در نهایت، روایت به یکی از اوصاف صحیح، حسن، موثق و ضعیف متصف می‌شود. اما در تحلیل فهرستی قبول روایت یا ردّ آن به حسب قرائن بیشتر یا کمتر می‌شود.

تحلیل فهرستی شباهت زیادی با موردکاوی[۳] دارد. موردکاوی عبارت است از گزارش تفصیلی و با دقت یک موردکاو که دربرگیرنده حقایق پیرامونی مورد است. موردکاوی [بخوانید: تحلیل فهرستی] بررسی نظام‌یافته یک رویداد [بخوانید: یک حدیث] یا مجموعه‌ای از رویدادهای [بخوانید: احادیث] مرتبط به هم، با هدف تشریح و تبیین پدیده‌ای خاص [بخوانید: مضمون حدیث] است. در موردکاوی بر موضوعی [بخوانید: حدیثی] خاص تمرکز می‌شود. بر روابط و فرآیندهای پیرامون آن موضوع تأکید می‌شود. روابط و فرآیندها در درون محیط اجتماعی، در هم تنیده و مرتبط به هم هستند. برای درک یک موضوع، ضرورت دارد سایر چیزها نیز بررسی شوند. از این رو پدیده‌های مورد مطالعه باید به عنوان یک مجموعه و کل نگریسته شوند و نه عوامل منفک از یکدیگر (مقیمی، ۱۳۸۶ش، ۷۷).

---

۱. Open Source.
۲. Analog.
۳. Case Study.

در تحلیـل فهرسـتی از روش تاریخـی بهـره‌ی فـراوان بـرده می‌شـود. در ایـن روش تحلیل‌گـر را بایـد وقایع‌نـگاری در نظـر گرفـت کـه بـه جـای مسـافرت در مـکان، فاصلـه زمـان را طـی می‌کنـد و بـا ابزارهـای مـدرن، بـه نقـد و تحلیـل چیـزی می‌پـردازد کـه از ورای حجـاب زمـان، آن را می‌بینـد. در ایـن روش شـناخت تاریخـی بـه معنـای گذشته‌شناسـی اسـت (فرامـرز قراملکـی، ۱۳۸۷ش، ۲۶۹). تحلیـل فهرسـتی بـه دنبـال واقع‌نمایـی حدیـث اعتبارسـنجی‌گونه اسـت. از ایـن‌رو در تحلیـل فهرسـتی تـلاش و کوشـش بـر کـم کـردن رجـوع بـه تعبّـد اسـت (مـددی، ۱۳۹۳ش، ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۶۵، ۴۰۱). بنابـر رویکـرد واقع‌گـرا معیـار خاصـی از جانـب شـارع ارائـه نشـده اسـت کـه مکلفـان بـدان متعبّـد شـده باشـند. بلکـه مـلاک رسـیدن بـه واقـع اسـت.

رویکـرد واقع‌گرایـی در ارزیابـی حدیـث بـه هـدف تعییـن وظیفـه‌ی شـرعی اسـت. از ایـن‌رو مقـدار عمـده‌ی ارزیابـی بایـد متکـی بـه شـواهد و قرائـن باشـد، اگرچـه در نهایـت مقـدار اندکـی از آن بـه خُبرویّـت ارزیـاب حدیـث بازمی‌گـردد. در تحلیـل فهرسـتی هـر فرضیـه‌ای کـه بتوانـد تصویـری منسـجم‌تر ارائـه کنـد و شـواهد بیشـتری در تأییـد آن تصویـر فراهـم آورد، معتبرتـر خواهـد بـود.

مهمتریـن مبنـای تصدیقـی در تحلیـل فهرسـتی ایـن اسـت کـه در شـیعه نوشـتار بسـتر عمـده نقـل و انتقـال حدیـث اسـت (سـرخئی، ۱۳۹۴ش، بخـش ۲، ۴۸). از این‌روسـت کـه نـگاه توصیفـی دانشـمندان رجالـی تنهـا بـه سـوی راویـان صاحـب کتـاب معطـوف بـوده اسـت (حسـینی شـیرازی، ۱۳۹۷ش، ۱۹۶). بنابرایـن، در ارزیابـی حدیـث بایـد سـازوکارهای اعتبـار نوشـتار پیـاده شـود و ابزارهـای متناسـب بـا آن بـه کار گرفتـه شـود. اگرچـه سـند روایـت و طریـق بـه کتـاب ظاهـراً یکسـان هسـتند و از سلسـله‌ای از اسـامی تشـکیل شـده‌اند، امـا ماهیـت هـر کـدام متفـاوت اسـت. مرکـز ثقـل بحـث از طریـق بـه کتـاب، اعتبـار اصـل کتـاب و نوشـتارهای واسـطه‌ای اسـت کـه از کتـاب رونوشـت کرده‌انـد و کیفیـت تعامـل بـا روایـت رونوشـت شـده در فضـای صـدور و انتقـال روایـت اسـت. یکـی دیگـر از مبانـی تحلیـل فهرسـتی اعتقـاد بـه وجـود قرائنـی و شـواهدی اسـت کـه در نـزد رجالیـان و فهرست‌نویسـان و حدیث‌شناسـان گذشـته بـوده اسـت. اگرچـه **بـه** علـت گـذر زمـان، شـواهد اولیـه کم‌رنـگ شـده (مـددی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۳۵۵) امـا از بیـن نرفتـه اسـت.

۳. سازوکار اجرایی تحلیل فهرستی

در ابتدا بدین نکته دقت داده می‌شود که : از آن‌جایی که این سازوکار مستخرج از ارزیابی‌های استاد مددی بر احادیث مرتبط با مباحث فقهی و اصولی است، پس‌زمینه‌ی فقهی و اصولی در آن اثر دارد. برای تعمیم سازوکار به احادیث کلامی، اخلاقی و ... نیازمند اصلاح است.

اولین مرحله‌ی تحلیل فهرستی، بررسی رجالی و فهرستی آن است. در صورتی که بی‌اعتباری روایت در این مرحله از هر دو حیث ثابت گردد مراحل بعدی معمولاً پیگیری نمی‌گردد. هدف در این مرحله، جستجوی عدم شذوذ و طرد روایت در «زمان نقل به حال» و همچنین جستجوی اعتبار مصدری روایت است. مراد از «زمان نقل به حال»، زمان اولین نوشتاری است که روایت را به زمان معاصر نقل نموده است. به عنوان مثال در صورتی که روایت را فقط ابن ادریس (م۵۹۵ق) در مستطرفات سرائر نقل کرده و در جوامع حدیثی قبل از او نیامده است، این زمان، همان محدوده‌ی زمان تألیف مستطرفات است. به همین صورت در صورتی که کلینی روایت را در کافی نقل نموده و نتوان نقل روایت را در مجامع حدیثی قبل از او دنبال کرد این زمان حدود تألیف کافی است. زمان نقل به حال، می‌تواند قبل از کلینی باشد. یعنی حدود زمانی باشد که مثلا حسین بن سعید کتاب خود را تألیف کرده است. برخی برای این مرحله زیرمرحله‌هایی پیشنهاد کرده‌اند (میرزایی، ۱۳۹۷ش، ف سوم: مراحل بررسی فهرستی). بررسی و نقد و تکمیل این پیشنهاد اگر چه ضرور است اما از حوصله این مقاله خارج است.

اما در صورت اعتبار رجالی و فهرستی روایت، مرحله «بررسی فضای صدور» مورد جستجو قرار می‌گیرد. توضیح این‌که از آن‌جایی که محتوای روایت در خلأ شکل نگرفته و باید حادثه‌ای رخ داده باشد که منجر به گفتمان در باب آن شده است، ابتدا فضای صدور مسأله در اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد. یعنی زوایای دینی و مطرح شده در میان عموم مسلمانان پیگیری می‌شود و گفتمان‌های اولیه و موضع‌گیرهای مذاهب فقهی و جریان‌های درون‌مذهبی در نسل‌های بعدی کشف شود. بدین جهت که اختلاف در زمان پیامبر (ص) کم بوده و بیشتر اختلافات از عهد صحابه شروع می‌شود معمولا دوره‌ی صحابه واکاوی می‌شود. البته بسیاری از موضوع‌ها در دوره‌ی تابعین یا از عصر فقها شروع شده است که این امر وابسته به مدارک در دسترس است. نسبت به روایات اهل سنت معمولا با این روند مواجه می‌شویم: ابتدا صحابه نظرشان چه بوده است؟ سپس در دوره‌ی تابعان چه سخنانی ردّوبدل شده است؟ در دوره‌ی بعد فقهایی چون ابوحنیفه،

مالـک و شـافعی و ... چـه واکنشـی در زمـان خـود داشـته‌اند؟ ایـن مـوارد مربـوط بـه قـرن اول و دوم اسـت. از قـرن سـوم محدثـان اهـل سـنت چـون بخـاری، مسـلم و نسـائی و ... بـه نقـد حدیـث روی آورده و دوره‌ی محدثـان شـکل گرفتـه اسـت. بـه طـور خلاصـه نسـبت بـه روایات در اهـل سـنت بایـد گفـت: نقـل متـن حدیـث در قـرن اول بـوده، در قـرن دوم ذکـر مسـتند بدان‌هـا اضافـه شـده و در قـرن سـوم تنقیـح، تصحیـح، دسـته‌بندی و ارزیابـی مسـتندات قـرن دوم انجـام شـده اسـت.

نتایــج حاصــل شــده در ایــن مرحلــه جنبــه‌ی تصــوری دارد. یعنــی صحــت و ســقم قــول صحابـی و اسـتدلال‌های او مـورد نظـر نیسـت. در ایـن مرحلـه هـدف یافتـن منشـأ پیدایـش مسـأله و ریشـه‌های آن اسـت (مـددی، خـارج فقـه ۲۷ مهـر ۱۳۹۲ش). از ایـن‌رو در ایـن مرحلـه تمـام مـدارک – تاریخـی، حدیثـی، تفسـیری و ... – کـه مرتبـط بـا موضـوع روایـت اسـت بـا دامنـه‌ی حداکثـری جسـتجو و جمع‌آوری می‌شـود. در ایـن مرحلـه، بررسـی احادیـث اغلـب بـر تـراث اهـل سـنت اسـت. همان‌طـوری کـه در جـرم و جنایـات، انگیـزه‌ی جنایت‌کارهـا غالبـا یکـی از اغـراض پولـی، مسـائل جنسـی و ناموسـی و قـدرت (خشـم و غضـب) اسـت در اغلـب رخدادهـای تاریخـی، حادثـه‌ای سیاسـی، بحثـی عقیدتـی یـا مسـأله دینـی (عبـادی) منجـر بـه گفتمـان شـده اسـت. یافتـن آن حادثـه، بحـث یـا مسـأله کمـک شـایانی بـه فرآینـد ارزیابـی می‌کنـد. وقتـی گفتمـان دربـاره‌ی موضـوع روایـت کـم باشـد مشـخص می‌شـود کـه یـا چنیـن حادثـه رخ نـداده یـا اگـر چیـزی وجـود داشـته چـون چنـدان جـدی گرفتـه نشـده و نتوانسـته خـود را نشـان دهـد توسـط اندیشـمندان بعـدی حـذف شـده اسـت. از ایـن رو نبـود گفتمـان راجـع بـه موضـوع حدیـث برابـر کاهـش اعتبـار حدیـث اسـت.

در مرحلــه‌ی «موضــع امامــان (ع)»، کنــش امامــان (ع) در برابــر فضــای علمــی پیگیــری می‌شـود. بـه شـکل طبیعـی، دامنـه‌ی جسـتجو از امیرالمؤمنیـن (ع) و مجموعـه‌ی نوشـتاری منسـوب بـه ایشـان شـروع شـده و بعـد از آن، شـامل مجموعه‌هایـی کـه از ائمـه بعدی و شـاگردان آنـان رسـیده تـا برخـی مسـائل کـه در توقیعـات امـام زمـان (عـج) وجـود دارد، می‌باشـد. یعنـی تمـام روایاتـی کـه بـا موضـوع روایـت مـورد ارزیابـی مرتبـط اسـت جمع‌آوری و مـورد کنـکاش قـرار داده می‌شـود. در نتیجـه گرایش‌هـای مختلـف راجـع بـه مسـأله احصـا می‌شـود. ایـن کـه کـدام جریـان یـا مذهـب چـه نظـر و گرایـش راجـع بـه مسـأله دارد واکاوی می‌شـود. در ایـن مرحلـه عـلاوه بـر مباحـث تصـوری جنبه‌هـای تصدیقـی، محـل بحـث می‌باشـد. یعنـی مجموعه‌هـای نوشـتاری در دسـترس چیسـت و از آن‌هـا کدامیـک قابـل اعتمـاد اسـت؟ (مـددی، خـارج فقـه ۱۳۹۲/۷/۲۷) .

اگـر رخـدادی کـه منجـر بـه پرسـش گردیـده در قـرن ۲ و ۳ و مخصوصـا قـرن اول باشـد، «در عصـر حاضـر تنهـا طریـق اطـلاع از گفتمان‌هـا و موضع‌گیری‌هـا گزارش‌هایـی اسـت کـه در قالـب روایـات بـه مـا رسـیده اسـت و بـه نـدرت در تألیفـات محـدود مربـوط بـه آن سـده‌ها برجـای مانـده اسـت، وجـود دارد. در ایـن روایـات، غالبـا احـکام و فتـاوای فقهـی بـه ائمـه‌ی اطهـار (ع) یـا پیامبـر (ص) ارجـاع می‌گردنـد. از ایـن‌رو روایـات فقهـی نمی‌تواننـد بـه طـور مسـتقیم بیان‌کننـده‌ی نظرهـا و نشـان‌دهنده‌ی گرایش‌هـای راویـان تلقـی گردنـد. امـا بـا ایـن حـال؛ در مسـائلی کـه در روایـات منقـول از ائمـه (ع) اختـلاف احادیـث دیـده می‌شـود، گزینـش راویـان کـه گاه خـود فقیهانـی نامدارنـد، نبایـد فقـط یـک اتفـاق در نظـر گرفتـه شـود، بلکـه همین گزینش‌هـا بـه عنـوان منبعـی بـرای مطالعـه گرایش‌هـای راویـان بـه کار می‌آیـد. گرایشـی کـه بـه صـورت پنهـان در گزینـش راویـان بازتـاب یافتـه اسـت» (پاکتچـی، ۱۳۷۵ش، ۱۲).

در مراحـل بعـدی موضـوع روایـت در «انتقـال از حدیـث بـه فتـوا» و «فقـه مأثـور» پیگیـری می‌شـود کـه از سـال‌های ۲۵۰ تـا ۴۵۰ اسـت. در ایـن مراحـل نحـوه برخـورد اندیشـمندان بـا موضـوع، قرینـه‌ای بـر اعتبـار روایـت اسـت. مهمتریـن مصـدر فقهـی کـه قبـل از کتـب اربعـه‌ی حدیثـی تدویـن شـده ، فقـه الرضـا (ع) اسـت. مقنـع و هدایـة صـدوق، مقنعـه مفیـد و نهایـه طوسـی و ... در فقـه مأثـور جـای دارنـد. ریشـه‌ی ایـن کتاب‌هـا روایـات اسـت امـا شـکل فتـوا بـه آن داده شـده اسـت.

۴. ارزیابی روایت خمس در هدیه

روایتـی در موضـوع خمـس در هدیـه وجـود دارد کـه برخـی فقهـا سـند آن را صحیـح دانسـته‌اند (خوئـی، ۱۴۱۸ق، ۲۵: ۲۱۳) و برخـی دیگـر آن را قبـول کرده‌انـد (انصـاری، ۱۴۱۵ب، ۱۹۳). ابن‌ادریـس حلـی (م ۵۹۸) در ضمـن روایاتـی کـه از کتـاب محمدبن‌علـی بـن محبـوب انتخـاب کـرده اسـت، ایـن روایـت را آورده اسـت: «وَ مِـنْ ذلِـكَ مـا اسـتَطرَفناهُ مِـنْ كِتـابِ نَـوادِرِ المُصَنِّـفِ تَصْنيـفُ مُحَمَّـدِ بـنِ عَلـيّ بـنِ مَحبـوبِ الأشـعَري الجَوهَـري القُمّـي وَ هَـذا الكِتـابُ كانَ بِخَـطِّ شَـيخَنا أبـي جَعفَـرَ الطوسِـي رَحِمَـهُ اللـهُ مُصَنِّـفُ كِتـابِ النِهايَـةِ رَحِمَـهُ اللـهُ فَنَقَلـتُ هَـذِهِ الأحاديـثَ مِـنْ خَطِّـهِ مِـنْ الكِتـابِ المُشـارِ إليـه» (ابن‌ادریـس، ۱۴۱۰ق، ۳: ۶۰۱). سـپس مـی‌آورد: «أَحْمَـدُ بْـنُ هِـلَالٍ عَـنْ أَبِـي عُمَيْـرٍ [كـذا] عَـنْ أَبَـانِ بْـنِ عُثْمَـانَ عَـنْ أَبِـي بَصِيـرٍ عَـنْ أَبِـي عَبْـدِ اللَّـهِ (ع) قَـالَ كَتَبْـتُ إِلَيْـهِ فِـي الرَّجُـلِ يُهْـدِي لَـهُ مَـوْلَاهُ وَ الْمُنْقَطِـعِ إِلَيْـهِ هَدِيَّـةً تَبْلُـغُ أَلْفَـيْ دِرْهَـمٍ أَقَـلَّ أَوْ أَكْثَـرَ هَـلْ عَلَيْـهِ فِيهَـا الْخُمُـسُ فَكَتَـبَ (ع) الْخُمُـسُ فِـي ذَلِـكَ» (همـان، ۶۰۶).

بـه نظـر می‌رسـد ایـن روایـت را محمدبن‌علـی بـن محبـوب از کتـاب نـوادر احمدبن‌هـلال عبرتایـی (نجاشـی، ۱۳۶۵ش، ۸۳) و او بـه نوبـه‌ی خـود از کتـاب نـوادر ابـن ابی‌عمیـر (همـان، ۳۲۷) رونوشـت کـرده اسـت.

۴-۱. بررسی رجالی

در طریـق ایـن حدیـث فقـط ابن‌ادریـس و ابن‌هـلال از نظـر بررسـی رجالـی بـا اشـکالاتی مواجـه هسـتند. اگرچـه ابن‌ادریـس در فقـه دارای دقت‌نظـر اسـت امـا از آن جهـت کـه مبنـای اصولـی او عـدم حجیـت خبـر واحـد اسـت (ابن‌ادریـس، ۱۴۱۰ق، ۱: ۳۸۲)، احتمـالاً پیگیـر حدیث‌شناسـی و بحث‌هـای مرتبـط بـا حدیـث نبـوده و در نتیجـه در حدیـث تجربـه‌ی لازم را نـدارد (منتجب‌الدیـن، ۱۳۶۶ش، ۱۱۳). او در شـناخت کتاب‌هـا و نسـخه‌ها ضعیـف اسـت. بـه عنـوان مثـال در مسـتطرفات سـرائر، احادیثـی را بـه جامـع بزنطـی نسـبت می‌دهـد (ابن‌ادریـس، ۱۴۱۰ق، ۳: ۵۵۳).

در حدیثـی از منتخبـات بزنطـی می‌گویـد: «وَ عَنْـهُ عَـنْ عَلِـيِّ بْـنِ سُـلَيْمَانَ عَـنْ مُحَمَّـدِ بْـنِ عَبْـدِ اللَّـهِ بْـنِ زُرَارَةَ عَـنْ مُحَمَّـدِ بْـنِ الْفُضَيْـلِ الْبَصْـرِيِّ» (ابن‌ادریـس، ۱۴۱۰ق، ۳: ۵۸۰). بزنطـی از مشـایخ محمـد بـن عبداللـه بـن زراره اسـت (طوسـی، ۱۳۶۵ش، ۴: ۳۰۶؛ ۶: ۲۴)، چگونـه محتمـل اسـت از شـاگردِ شـاگردش یعنـی علی‌بن‌سـلیمان نقـل روایـت کنـد؟!

عـلاوه بـر این‌کـه نـوزده حدیـث ابتدائـی - بـه جـز حدیـث پانزدهـم- کـه متضمـن تعبیـر «سـألته» اسـت دقیقـاً در کتـاب علی‌بن‌جعفـر موجـود اسـت (مقایسـه کنیـد سـرائر؛ ۳: ۵۷۲-۵۷۴؛ عریضـی، ۱۳۶۸ش، ۲۳۹ بـه بعـد).

همچنیـن در ضمـن روایـات آمـده اسـت: «قـالَ عَلـی وَ سَـمِعتُ أخِـی» (ابن‌ادریـس، ۱۴۱۰ق، ۳: ۵۷۴). در حالـی کـه هیـچ‌گاه بزنطـی از علی‌بن‌جعفـر روایـت نقـل نکـرده اسـت. بنابرایـن ایـن کتـاب ربطـی بـه جامـع بزنطـی نـدارد.

همچنیـن در ابتـدای مسـتطرفات خـود نوشـته اسـت: «وَ مِـنْ ذَلِـكَ مـا أورَدَهُ أبـانُ بـنُ تَغلِـبَ صاحـبُ الباقـرِ وَ الصـادِقِ (ع) فِـي كِتابِـه» (ابن‌ادریـس، ۱۴۱۰ق، ۳: ۵۶۳) ولـی بعـد از آن آمـده اسـت : «قَـالَ حَدَّثَنَـا مُعَمَّـرُ بْـنُ خَـلَّادٍ عَـنِ الرِّضَـا» (همـان، ۵۶۶). یعنـی ابان‌بن‌تغلـب (م ۱۴۱ق) کـه از صحابـه امـام باقـر (ع) و امـام صـادق (ع) می‌باشـد بـا واسـطه از امـام رضـا (ع) (۱۴۸-۲۰۳ق) روایـت نقـل می‌کنـد! (همچنیـن نـک: خوئـی، ۱۳۷۲ش، ۱۵: ۶۳؛ شـبیری زنجانـی، ۱۳۸۹ش، ۲: ۸۱).

آیت‌الله خوئی پس از بررسی گزارش‌های رسیده درباره‌ی احمدبن‌هلال عبرتایی، او را ثقه‌ی فاسد العقیده می‌داند (خوئی، ۱۳۶۹ش، ۲: ۳۵۸). همچنین ابن‌غضائری، روایات کتاب نوادر ابن ابی‌عمیر توسط او را مورد اعتماد اصحاب می‌داند (حلی، ۱۴۱۷ق، ۲۰۲). نجاشی نیز در مورد ابن‌هلال عبرتائی می‌گوید: «صالحُ الروایةِ یُعْرَفُ مِنْها وَ یُنکَر» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۸۳). با این وجود، ابن‌الولید روایات او را از کتاب نوادر الحکمة محمدبن‌احمد بن یحیی استثنا کرده است (همان، ۳۴۸).

صدوق از ابن‌الولید نقل می‌کند که اصحاب به متفردات احمدبن‌هلال عمل نمی‌کردند (۱۳۹۵ش، ۱: ۷۶). سخنان طوسی نیز مؤید همین مطلب است (طوسی، ۱۳۶۳ش، ۳:، ۲۸؛ همو، ۱۳۶۵ش، ۹: ۲۰۴).

دو نکته شایسته دقت است:

۱) استثنای ابن‌الولید به روش فهرستی است. بدین معنا که ابن‌الولید نتیجه‌ی ارزیابی فهرستی کتاب نوادر الحکمة و روایات آن را بدین گونه گزارش داده است که: تمام روایات کتاب نوادر الحکمة به جزو روایات خاص از نظر او معتبر است. ابن‌الولید آن روایات خاص را با استثنائات خود معین نموده است. در حقیقت استثناهای ابن‌الولید به نحو قضیه‌ی خارجیه و نه قضیه‌ی حقیقیه می‌باشد. چرایی استثنا شده احادیث توسط ابن‌الولید امور مختلفی است: در برخی موارد ضعف راوی، در برخی موارد ضعف نسخه‌ای که راوی از آن روایت کرده، در برخی موارد ضعف مصدر کتاب نوادر، در برخی موارد انقطاع بین دو راوی و ... است (مددی، خارج اصول: ۸۵-۸۶ جلسه ۷).

از این‌رو نمی‌توان به مجرد استثنای ابن ولید حکم به ضعف مستثنی نمود. بلکه در تحلیل استثنای ابن ولید و مهندسی معکوس آن باید قرائن و شواهد متعددی ارائه نمود. در مورد احمدبن‌هلال شواهد حاکی از این است که اصحاب از کل مرویات احمدبن‌هلال به جز مشیخه ابن‌محبوب و نوادر ابن ابی‌عمیر اعراض کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۷ق، ۲۰۲). در مورد این دو کتاب نیز نباید نسخه‌ی احمدبن هلال انفراد داشته باشد.

۲) روایات مورد بررسی از منفردات احمدبن‌هلال عبرتایی از نسخه‌ی نوادر ابن ابی‌عمیر است.

۴-۲. بررسی فهرستی

خمس در هدیه، با عنوان خاص «هدیه» فقط اختصاص به همین روایت دارد[1]. با این که محمدبن‌علی بن محبوب از بزرگان قم بوده و استاد با واسطه‌ی کلینی است، اما کلینی در تمام فروع کافی روایتی از او نقل نمی‌کند. در اصول نیز فقط یک روایت از او نقل می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۱۱۲). صدوق نیز به صورت محدود در کتاب حدود و دیات از او نقل روایت می‌کند (صدوق، ۱۳۶۳ش، ۳: ۱۳۸، ۲۳۸، ۲۵۸، ۳۰۴، ۵۳۹، ۵۴۹؛ ۴: ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۹). بنابراین قمی‌ها از نسخه‌ی نوادر ابن‌محبوب اعراض کرده‌اند.

این روایت را هیچ‌کدام از مشایخ ثلاثه یعنی کلینی با این‌که نسخه‌ی احمدبن‌هلال از کتاب ابن ابی‌عمیر نزد کلینی بوده است (کلینی، ۱۳۶۳ش، ۱: ۵۲۹)، صدوق و حتی طوسی در تمامی کتاب‌هایش، نقل نکرده‌اند (نسخه‌ی احمدبن‌هلال از کتاب ابن ابی‌عمیر نزد طوسی موجود بوده و به کرات از آن نقل کرده است (طوسی، ۱۳۶۵ش، ۱: ۴۸، ۱۱۷، ۱۷۲ و ...). فقط ابن ادریس آن را از کتاب محمدبن‌علی بن محبوب که توسط طوسی استنساخ شده بوده، نقل کرده است. جالب این است که ابن ادریس قائل به عدم وجوب خمس در هدیه است (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ۱: ۴۹۰).

با توجه به بررسی فهرستی مشخص می‌شود این روایت احمدبن‌هلال از نوادر ابن ابی‌عمیر در مجامع حدیثی پالایش و حذف شده است. بعدها توسط محمد ابن ادریس دوباره گزارش شده است. با عنایت به بررسی رجالی احمدبن‌هلال و محمدبن‌ادریس ضعف روایت آشکار است و پرونده ارزیابی همین‌جا بسته می‌شود.

۵. ارزیابی روایت اجر مغنیه

برخی فقها با تصریح به صحت روایت زیر بدان بر جواز غناء در عروسی ها تمسک کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ۲۶۶؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۸۲ش، ۵۵۳؛ همچنین نک: عاملی، ۱۴۱۹ق، ۱۲: ۱۷۴؛ طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۵۰۲).

«[عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَجْرُ الْمُغَنِّيَةِ الَّتِي تَزُفُّ الْعَرَائِسَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ لَيْسَتْ بِالَّتِي يَدْخُلُ عَلَيْهَا الرِّجَالُ».

---

۱. البته فقها برای اثبات تعلق خمس به هدیه با عناوینی دیگری مانند: «اکتساب، فائده، غنیمت، جایزه» به روایاتی تمسک کرده‌اند

۵-۱. بررسی رجالی

تمام رجال روایت ثقه هستند و حدیث انقطاع مکانی ندارد. چه این‌که تمام راویان قبل از حسین‌بن‌سعید از قم می‌باشند. حسین‌بن‌سعید و تمام راویان بعد از او کوفی هستند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۲۷، ۲۳۰؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۶۳، ۳۲۱). حسین بن سعید پس از سکونت در اهواز به قم منتقل شده و آثار او در قم منتشر می‌شود (طوسی، بی‌تا، ۱۴۹).

۵-۲. بررسی فهرستی

کلینی حدیث فوق را با سه نسخه‌ی متفاوت (علی‌بن‌حمزه، حکم حناط، ایوب بن الحر) از ابوبصیر نقل نموده است (۱۳۶۳ش، ۵: ۱۱۹-۱۲۰، ح ۱-۳). طوسی نیز به صورت مستقیم از کتاب حسین‌بن‌سعید آن‌ها را نقل کرده است (۱۳۶۵ش، ۶: ۳۵۷؛

حسین‌بن‌سعید همراه با برادرش حسن ۳۰ کتاب تألیف کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۵۸). نجاشی و طوسی در شرح حال برخی فقها و محدثان[۱]، آنان را مانند حسین‌بن‌سعید دارای سی کتاب دانسته‌اند. بنابراین نام و تعداد کتاب‌های سی‌گانه حسین‌بن‌سعید در فقه و حدیث شیعه نمادی برای یک دوره کامل موضوعات فقهی بوده و از اعتبار مناسبی برخوردار بوده است. این روایت در مصادر اولیه (کتاب ابوبصیر) و متوسط (کتاب حسین‌بن‌سعید) و متأخر امامیه (کتب اربعه) منعکس شده است.

۵-۳. بررسی فضای صدور

غناء در مکه همراه با شرب خمر و رقص و فحشا بوده است (اسد، ۱۹۶۸، سرتاسر). خانه‌های فحشا و روسپی‌هایی که به «صواحب الرایات» مشهور بودند وجود داشته است (طبری، ۱۴۲۰ق، ۱۹: ۹۸). بعضی از اهل مکه به عمد غناء و فحشا را برای مقابله با پیامبر (ص) ترویج می‌دادند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۲: ۴۹۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۶: ۵۰۴). به عبارتی، در ابتدای اسلام در مکه، غناء اضافه بر همراهی با رفتارهای حرام، هدف حرامی هم داشته است و البته مغنّی مشرک بوده است.

گفته شده که در مدینه نیز در عصر پیامبر (ص) غناء رواج داشته است. اهل سنت جواز غناء را به رسول خدا (ص) (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۲: ۱۶؛ نیسابوری، ۱۳۷۴ش، ۲: ۶۰۹)

---

۱. از جمله صفوان‌بن‌یحیی، محمدبن‌سنان، موسی‌بن‌قاسم بجلی (زنده در ۲۲۰) علی‌بن‌مهزیار اهوازی (حدود م ۲۵۴)، محمدبن‌اورمه قمی (زنده تا ۲۵۴)، محمدبن‌حسن صفار (م ۲۹۰)، محمدبن‌علی صیرفی کوفی و یونس‌بن‌عبدالرحمن (م ۲۰۸) (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۵۳، ۲۶۲، طوسی، بی‌تا، ۲۶۵، ۲۴۲، ۴۰۶-۵۱۱، ۴۵۳، ۴۱۲، ۴۰۸).

بـا متـون مختلفـی نسـبت داده‌انـد (امینـی، ۱۳۵۶ش، ۸: ۶۴-۶۶). غنـای مدینـه در مناسـبت هـای خـاص ماننـد عروسـی (مصـری، ۱۹۹۹م، ۸۴)، اعیـاد (شـیبانی، ۱۴۱۶ق، ۴۱: ۸۹) و جنـگ بوده و اشـعار آن نـه شـهوانی بلکـه جنبـه‌ی مفاخـره داشـته اسـت و گاهـی همراه بـا دف و آلات موسـیقی دیگـری بـوده اسـت. از دیگـر غناهـای مدینـه در ایـن دوره، غنـای حبشـیان اسـت کـه همـراه بـا رقـص خاصـی بـوده کـه تحریک‌آمیـز نبـوده اسـت (بخـاری، ۱۴۲۲ق، ۷: ۳۸، ح ۵۲۳۶؛ ابـن اثیـر، ۱۳۶۷ش، ۸: ۴۵۳). همچنیـن غنـای خاصـی بـرای تحریـک شـترها وجـود داشـته کـه حـداء یـا حـدی نـام داشـته اسـت (بیشـیبة، ۱۴۰۹ق، ۳: ۲۵۴).

غنـاء در دوران بنی‌امیـه و بنی‌عبـاس در مدینـه و بغـداد بسـیار رواج داشـت (ضیـف، بی‌تـا، ۴۶؛ رحمـت اللـه، ۱۹۶۹م، ۸۹؛ نمونـه: اصفهانـی، ۱۹۹۴م، ۵: ۱۰۶؛ ۸: ۳۵۳) بـه حـدّی کـه ابراهیـم بـن مهـدی از خلفـای بنـی عبـاس آوازه‌خـوان بـود! (بغـدادی، ۲۰۰۲م، ۶: ۱۴۲).

۵-۳-۱. موضع اهل بیت (ع)

نمـود واکنـش اهـل بیـت (ع) بـه فضـای موجـود در مـورد غنـا را از آثـار برجـای مانـده از ایشـان می‌تـوان یافـت. جسـتجو در ایـن آثـار نشـان می‌دهـد کـه برخـی از مذاهـب شـیعه ماننـد اسـماعیلیه و احتمـالا واقفیـه قائـل بـه جـواز غنـا در عروسـی‌ها و حـلال بـودن اجـرت مغنیـة بوده‌انـد. ایـن در حالـی اسـت کـه زیدیـه بـر حرمـت مطلـق غنـا و سـحت بـودن اجـرت آن اصـرار داشـتند. در بیـن امامیـه در برهـه‌ای از زمـان - از امـام باقـر (ع) تـا امـام کاظـم (ع)- بیـن اصحـاب ائمـه اختـلاف وجـود داشـته اسـت. در ادامـه‌ی حیـات علمـی امامیـه قـول بـه جـواز غنـا در عروسـی‌ها و حـلال بـودن اجـرت بـر غنـا حـذف گردیـده اسـت. در ادامـه مسـتند سـخنان فـوق گـزارش می‌شـود:

۵-۳-۱-۱. اسماعیلیه

آنچـه از قاضـی نعمـان مغربـی کامـلا واضـح اسـت جـواز غنـاء در عروسـی اسـت (ابن‌حیـون، ۱۳۸۳ش، ۲: ۲۰۵-۲۰۶، ح ۷۴۹-۷۵۲).

۵-۳-۱-۲. زیدیه

در مسـند زیـد آمـده اسـت: «حَدَّثَنـي زَيـدُ بـنُ عَلـي عَـنْ اَبيـهِ عَـنْ جَـدّهِ عَـنْ عَلـي (ع) قـالَ: قـالَ رَسـولُ اللـهِ ص كَسـبُ البَغـيِّ وَالمُغَنيّـةِ حَـرامٌ» (زیـد بـن علـی بـن حسـین (ع)، بی‌تـا، ۳۷۸) و در امالـی احمـد بـن عیسـی (م۲۴۷ق) نـوه‌ی زیـد بـن علـی (ع) نیـز روایاتـی کـه

صراحـت بـر حرمـت کسـب مغنیـه دارد وجـود دارد (احمـد بـن عیسـی، ۱۴۱۰ق، ۳: ۱۵۸۱و ۱۵۸۵، ح ۲۶۴۲۰ و ۲۶۵۴). ظاهـراً در تـراث حدیثـی و فقهـی زیدیـه از قدیـم تـا دوران معاصـر بـر حرمـت کسـب مغنیـه اتفـاق نظـر وجـود دارد (یحیـی بـن حسـین بـن هـارون، ۱۴۲۲ق، ۵۴۱؛ علـوی کوفـی، ۱۴۳۵ق، ۸، ۱۳۶؛ همچنیـن نـک: مؤیـدی، ۱۴۳۶ق، سرتاسـر).

۵-۳-۱-۳. امامیه

برخـی تعـداد روایـات بـاب غنـاء را سـیصد عـدد دانسـته اسـت (حـرّ عاملـی، ۱۴۱۹ق، ۱: ۱۱۳). در ایـن روایـات موضوعـات مختلفـی ماننـد غنـاء و گـوش‌دادن بـه آن، دادوسـتد جاریـهٔ مغنیـهٔ یـا ابـزار غنـاء، اجـر مغنیـهٔ و ... مطـرح شـده اسـت. بـا توجـه بـه فضـای صـدور معلـوم گشـت کـه موضـوع بحـث در روایـات، غنـای موجـود در مدینـه اسـت. یعنـی غنایـی کـه همـراه بـا محرماتـی چـون رقـص، شـرب خمـر، زنـا، اسـتهزاء بـه آیـات الهـی و اضـلال و لهـو نیسـت. بـا وجـود رواج غنـاء در زمـان معصومـان در هیچ‌کـدام از روایـات جـواز مطلـق غنـاء از هیـچ معصومـی گـزارش نشـده اسـت. فضـای روایـات اهـل بیـت (ع) در نفـی غنـاء و موضوعـات وابسـته بـه آن اسـت (بروجـردی، ۱۴۳۳ق، ۲۲: ۲۲۹-۲۳۸). عمـده احادیـث غنـاء از جانـب امـام باقـر (ع)، امـام صـادق (ع)، امـام کاظـم (ع) و امـام رضـا (ع) صـادر شـده اسـت. تمامـی روایـات صـادره از دوران امـام رضـا (ع) بـه بعـد بـه طـور مطلـق غنـا را نفـی می‌کنـد (کلینـی، ۱۳۶۳ش، ۵: ۱۲۰؛ ۶: ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۷۸؛ صـدوق، بی‌تـا، ۲: ۱۴، ۱۲۸؛ همـو، ۱۳۹۵ش، ۴۸۵).

امـا در احادیـث معصومـان قبـل از امـام رضـا (ع)، بـه غیـر از روایـت مـورد بررسـی، روایاتـی کـه دلالـت بـر جـواز غنـاء در مـوارد خـاص دارد، بـه صـورت محـدود وجـود دارد: «وَ سَـأَلَ رَجُـلٌ عَلِـيَّ بْـنَ الْحُسَـيْنِ (ع)- عَـنْ شِـرَاءِ جَارِيَـةٍ لَهَـا صَـوْتٌ فَقَـالَ مَـا عَلَيْـكَ لَـوِ اشْـتَرَيْتَهَا فَذَكَّرَتْـكَ الْجَنَّـةَ» (صـدوق، ۱۳۶۳ش، ۴: ۶۰، ح ۵۰۹۷).

در صـورت قبـول ارتبـاط روایـت بـا غنـاء و عـدم اشـکال دلالـی بـر روایـت، صـدوق ایـن روایـت را بـه صـورت مرسـل نقـل کـرده اسـت و در هیـچ مصـدر دیگـر وجـود نـدارد. بـه عبارتی دیگـر، ایـن روایـت از حیـث رجالـی و فهرسـتی بی‌اعتبـار اسـت.

«أَحْمَـدُ بْـنُ مُحَمَّـدٍ عَـنِ الْبَرْقِـيِّ عَـنْ عَبْـدِ اللَّـهِ بْـنِ الْحَسَـنِ الدِّينَـوَرِيِّ قَـالَ: قُلْـتُ لِأَبِـي الْحَسَـنِ ع جُعِلْـتُ فِـدَاكَ مَـا تَقُـولُ فِـي النَّصْرَانِيَّـةِ أَشْـتَرِيهَا وَ أَبِيعُهَـا مِـنَ النَّصَـارَى فَقَـالَ اشْـتَرِ وَ بِـعْ قُلْـتُ فَأَنْكِـحُ فَسَـكَتَ عَـنْ ذَلِـكَ قَلِيـلًا ثُـمَّ نَظَـرَ إِلَـيَّ وَ قَـالَ شِـبْهَ الْإِخْفَـاءِ هِـيَ لَـكَ حَـلَالٌ قَـالَ قُلْـتُ جُعِلْـتُ فِـدَاكَ فَأَشْـتَرِي الْمُغَنِّيَـةَ أَوِ الْجَارِيَـةَ تُحْسِـنُ أَنْ تُغَنِّـيَ أُرِيـدُ بِهَـا الـرِّزْقَ لَا سِـوَى ذَلِـكَ قَـالَ اشْـتَرِ وَ بِـعْ» (طوسـی، ۱۳۶۵ش، ۶: ۳۸۷، ح ۱۱۵۱).

احمد اشعری روایت را از برقی پدر نقل می‌کند. عبدالله‌بن‌حسن دینوری مجهول و بنابراین روایت ضعیف است. علاوه بر این‌که احتمال تقیه در روایت وجود دارد. روایت نیز از انفرادات طوسی است و کلینی و صدوق آن را روایت نکرده‌اند. از فرضیه‌های تحلیل فهرستی کم‌بودن اعتبار فهرستی منفردات طوسی است. محدثان و دانشوران شیعه، برخی آثار را به خاطر عرضه روایات بر ائمه متأخر، کنار گذاشتند. کلینی و صدوق، تقریبا فقط آثار علمیِ تصفیه شده‌ی را آورده‌اند. ولی طوسی در قرن پنجم، به هدف حلّ تعارضِ روایات ائمه (ع)، بسیاری از تراث حذف شده را در کتب خود آورده است (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ۹: ۲۰۸-۲۰۹). از شواهد دیگر کمی اعتبار فهرستی انفرادات طوسی اعتماد طوسی به مصادر ضعیف است. به عنوان مثال، طوسی فهرست ابن‌بطه را از طریق ابوالمفضل شیبانی نقل می‌کند. نجاشی با این‌که ابوالمفضل شیبانی را دیده و او را ثقه می‌داند، اما چون او را ضعیف در حدیث می‌داند از او نقل نمی‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۹۶). این روایت نیز از جهت رجالی و فهرستی کم‌اعتبار است.

«عَبْدُاللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى ابْنِ جَعْفَرٍ (ع)، قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْغِنَاءِ، هَلْ يَصْلُحُ فِي الْفِطْرِ وَ الْأَضْحَى وَ الْفَرَحِ؟ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِهِ مَا لَمْ يُعْصَ بِهِ» (حمیری، ۱۳۷۱ش، ۲۹۴، ح ۱۱۵۸؛ مجلسی، ۱۳۶۸ش، ۱۰: ۲۷۱).

این روایت را حمیری از کتاب مسائل علی‌بن‌جعفر نقل کرده است. اکنون پنج نسخه از کتاب مسائل علی‌بن‌جعفر در دسترس است. دو نسخه در قم در اختیار حمیری بوده است. عبدالله‌بن‌حسن از ساداتی است که از مدینه به قم آمده و در آن‌جا ساکن شده و در رجال توثیقی ندارد. کتاب جدش (مسائل علی‌بن‌جعفر) را برای قمی‌ها نقل کرده و حمیری از او نوشته است. حمیری در قرب الإسناد دو نسخه از مسائل علی‌بن‌جعفر را نقل می‌کند. یک نسخه غیر مبوّب که شامل ۱۸۸ حدیث است که به قرینه‌ی «حدثنی» ابتدای نسخه، آن را سماع کرده است (حمیری، ۱۳۷۱ش، ۱۷۶-۲۱۲، ح ۶۴۶-۸۳۳). یک نسخه مبوّب است و از آن‌جایی که در ابتدای نسخه آن را تحدیث نمی‌کند وجاده بوده و شامل ۳۴۷ روایت است (همان، ۲۱۳-۳۰۰، ح ۸۳۴-۱۱۸۰). نجاشی نیز، برای مسائل علی‌بن‌جعفر دو نسخه ذکر می‌کند: یک نسخه غیر مبوب که طریق آن حمیری از عبدالله‌بن‌حسن است. و دیگری مبوّب است که از طریق ابن‌عقده زیدی مذهب است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۵۱، ش ۶۶۲).

نسخه‌ی سوم به دست صاحب بحار و صاحب وسائل رسیده است (مجلسی، ۱۳۶۸ش، ۱۰: ۲۴۹-۲۹۱) قدمای اصحاب بسیار نادر از این نسخه نقل کرده‌اند (برقی،

بی‌تـا، ۱: ۹۴؛ طبـری آملـی، ۱۴۱۳ق، ۱۵۳). ایـن نسـخه در اختیـار اسـماعیلی‌ها بـوده و قاضـی نعمـان مغربـی از آن نقـل می‌کنـد (ابـن حیـون، ۱۴۲۸ق، ۸۰).

نسـخه چهـارم و پنجـم دو نسـخه‌ای اسـت کـه در اختیـار کلینـی و صـدوق و طوسـی بـوده و راوی یـک نسـخه، موسـی بـن قاسـم بجلـی و راوی نسـخه‌ی دیگـر عمرکـی بـن علـی بوفکـی نیشـابوری اسـت (نمونـه: کلینـی، ۱۳۶۳ش، ۱: ۱۹۳؛ طوسـی، ۱۳۶۵ش، ۱: ۵۰؛ صـدوق، ۱۳۶۳ش، ۱: ۸).

ایـن روایت در نسـخه‌ی مجلسـی (نسـخه‌ی اسـماعیلیه) و نسـخه‌ی مبـوّب حمیری (نسـخه‌ی زیدیـه) موجـود اسـت. همان‌طـور کـه مشـهود اسـت، تحلیـل فـوق بـا اطلاعـات موجـود از اسـماعیلیه سـازگار اسـت. در تـراث موجـود از زیدیـه آمـده اسـت: «قـالَ الحَسَـنُ[بنُ یَحیـی][1] فیمـا حَدَّثَنـا زَیـدُ عَـن زَیـدٍ، عَـن اَحمَـدَ عَنهُ[=الحَسَـنِ بـنِ یَحیـی]: وَ سُـئِلَ عَـنِ الغِنـاءِ اَیَصلَـحُ فِـی الفِطـرِ وَ الأضحـی وَ الفَـرَحِ؟ فَقـالَ: یَکـرَهُ الغِنـاءُ فِـی کُلِّ حـالٍ» (علـوی کوفـی، ۱۴۳۵ق، ۸: ۱۳۸) و مـراد از کراهـت بـه حسـب سیاق روایـات موجـود در کتـاب همـان حرمـت اسـت. از ایـن‌رو نسـخه‌ی مبـوّب حمیـری بـا تـراث موجـود زیدیـه در مـورد ایـن حدیـث ناسـازگار اسـت.

بـه هـر حـال، ایـن نسـخه‌ها بـه قرینـه‌ی اعـراض کلینـی و صـدوق از آن‌هـا در قـم مقبـول نبوده‌انـد و از ایـن‌رو ایـن حدیـث بـه لحـاظ رجالـی و فهرسـتی بـا اشـکال مواجـه اسـت.

بـا توجـه بدان‌چـه ذکـر شـد و شـواهد موجـود در روایـات (کلینـی، ۱۳۶۳ش، ۶: ۴۳۳، ح ۱۲) بایـد گفـت کـه بـه حسـب تـراث امامیـه واکنـش معصومـان بـه فضـای موجـود نفـی مطلـق انـواع غنـا بـوده اسـت. روایـت مـورد بررسـی در ناسـازگاری بـا ایـن فضاسـازی اهـل بیـت (ع) تفـرد دارد.

۵-۳-۱-۴. فقه منصوص و فتاوای متاخرین

در فقـه منصـوص کسـب مغنیـة حـرام شـمرده شـده اسـت (امـام رضـا (ع)، ۱۴۰۶ق، ۲۵۲؛ صـدوق، ۱۴۱۵ق، ۳۶۲؛ همـو، ۱۴۱۸ق، ۳۱۴). همچنیـن در مرحلـه انتقـال از نصـوص بـه فتـاوا، مـورد قبـول اصحـاب واقـع نشـده اسـت و بـا وجـود اعتبـار فهرسـتی و صحـت سـند برخـی نسـخه‌های روایـت و وجـود آن در کافـی و فقیـه و تهذیـب (کلینـی، ۱۳۶۳ش، ۵: ۱۲۰، ح ۳؛ صـدوق، ۱۴۰۵ق، ۳: ۱۶۱، ح ۳۵۸۹؛ طوسـی، ۱۳۶۵ش، ۶: ۳۵۷، ح ۱۴۳)، بـزرگان امامیـه بـه ایـن روایـت فتـوا نداده‌انـد (مفیـد، ۱۴۱۰ق، ۱۷۰؛ سـلار دیلمـی، ۱۴۰۴ق، ۵۸۸؛ ابن‌بـراج، ۱۴۰۶ق، ۱: ۳۶۴؛ ابوالصـلاح حلبـی، بی‌تـا، ۲۸۱؛ ابن‌ادریـس، ۱۴۱۰ق، ۲: ۲۲۴؛

۱. حسن‌بن‌یحیی‌بن‌حسین بن زیدبن‌علی بن الحسین م ۲۶۰ (علوی کوفی، ۱۴۳۵ق، ۱: ۱۰۲).

حلـی، ۱۳۸۸ش، ۲: ۵۸۱؛ فخرالمحققیـن، ۱۳۸۷ش، ۱: ۴۰۵) بلکـه انصـاری آن را بـه تمامـی کسـانی کـه اسـتثنا را ذکـر نکرده‌انـد تعمیـم داده اسـت (۱۴۱۵ق(الـف)، ۱:۳۱۴).

الف) واقفیه

بـه غیـر از روایـت مـورد بحـث کـه تحریـری از آن از طریـق علـی بـن ابـی حمـزه بطائنی از سـران واقفیـه می‌باشـد (کلینـی، ۱۳۷۵ش، ۵: ۱۱۹، ح ۱؛ نجاشـی، ۱۳۶۵ش، ۲۴۹ مدخـل ۶۵۶)، روایتـی دیگـری را طوسـی بـه تنهایـی از کتـاب حسـین بـن سـعید نقـل می‌کنـد: «الْحُسَـيْنُ بْـنُ سَـعِيدٍ عَـنْ عُثْمَـانَ بْـنِ عِيسَـى عَـنْ سَـمَاعَةَ قَـالَ: سَـأَلْتُهُ عَـنْ كَسْـبِ الْمُغَنِّيَـةِ وَ النَّائِحَـةِ فَكَرِهَـه» (طوسـی، ۱۳۶۳ش، ۳: ۶۰، ح ۱۹۸).

عثمان‌بن‌عیسـی واقفـی اسـت (نجاشـی، ۱۳۶۵ش، ج ۳۰۰، مدخـل ۸۱۷). سـماعه نیـز رمـی بـه وقـف شـده اسـت (صـدوق، ۱۴۰۵ق، ۲: ۱۲۱، ۱۳۸؛ طوسـی، ۱۴۲۷ق، ۳۳۷ مدخـل ۵۰۲۱) امـا نسـبت صحیـح نیسـت (شـبیری زنجانـی، ۱۳۹۹ش، ۳۲۷). روایـت فـوق توسـط کلینـی و صـدوق پالایـش و حـذف شـده و نقـل نگردیـده اسـت.[1]

هم‌گـرا بـا روایـت فـوق، روایـت مـورد ارزیابـی می‌باشـد، کـه بـا مقایسـه‌ی نقـل صـدوق و طوسـی، کامـل آن چنیـن اسـت: «رَوَى أَيُّـوبُ بْـنُ الْحُـرِّ عَـنْ أَبِـي بَصِيـرٍ عَـنْ أَبِـي عَبْـدِ اللَّـهِ عَـنْ أَبِيـهِ (ع) قَـالَ لَا بَـأْسَ بِأَجْـرِ النَّائِحَـةِ الَّتِـي تَنُـوحُ عَلَـى الْمَيِّـتِ وَ أَجْـرِ الْمُغَنِّيَـةِ الَّتِـي تَـزُفُّ الْعَرَائِـسَ لَيْـسَ بِـهِ بَـأْسٌ وَ لَيْسَـتْ بِالَّتِـي يَدْخُـلُ عَلَيْهَـا الرِّجَـال» (صـدوق، ۱۴۰۵ق، ۳: ۱۶۱، ح ۳۵۸۹؛ طوسـی، ۱۳۶۵ش، ۶: ۳۵۷، ح ۱۴۳؛ ۶: ۳۵۹، ح ۱۴۹). بـا دقـت در ایـن روایـت مشـخص می‌شـود کلینـی آن را تقطیـع نمـوده و فقـط قسـمت آخـر روایـت را نقـل کـرده اسـت.

در فقـه منصـوص حکـم موجـود در روایـت نسـبت بـه نائحـة پذیرفتـه شـده، امـا نسـبت بـه مغنیـة مـورد قبـول واقـع نشـده اسـت (امـام رضـا (ع)، ۱۴۰۶ق، ۲۵۲؛ صـدوق، ۱۴۱۵ق، ۳۶۲؛ همـو، ۱۴۱۸ق، ۳۱۴). وضعیـت نسـبتاً مشـابهی در کتـب اربعـه حدیثـی موجـود اسـت. زیـرا اگـر چـه کلینـی حدیـث را قبـول کـرده اسـت، امـا در ضمـن حدیـث معـارض آن را نقـل کـرده اسـت (۱۳۶۳ش، ۵: ۱۲۰، ح ۶) و بنـا بـر مبنـای کلینـی در تعـارض احادیـث کـه تخییـر اسـت (همـو، ۱: ۹) بایـد گفـت نسـبت بـه مضمـون حدیـث مـورد ارزیابـی، تردیـد داشـته اسـت. صـدوق در فقیـه نیـز وضعیتـی مشـابه دارد (صـدوق، ۱۴۰۵ق، ۳: ۱۷۲، ح ۳۶۴۹). عـلاوه بـر ایـن کـه در مقنـع و هدایـه برخـلاف روایـت حکـم کـرده اسـت. طوسـی هـم در توجیـه روایـت از ظاهـر روایـت اعـراض کـرده اسـت (۱۳۶۳ش، ۳: ۶۲؛ ۱۴۰۰ق، ۳۶۶).

---

۱. در ضمن این مطلب مؤید فرضیه‌ی سابق نسبت به منفردات طوسی است.

به نظر می‌رسد واقفیه بر اساس روایات خود فتوا می‌دادند که غناء در عروسی اشکال ندارد. در فقه ما رأی آن‌ها به تدریج حذف شده است.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، تحلیل فهرستی نوعی موردکاویِ تاریخیِ حدیث با رویکرد واقع‌گرایانه معرفی گردید که با بومی‌سازی تکنیک‌های روش‌های ارزیابی دیگر آن‌ها را به کار می‌برد. در این روش مرحله اول ارزیابی بررسی رجالی و فهرستی است. در صورتی که روایت دارای اعتبار رجالی و فهرستی باشد، مضمون روایت در سه مرحله تاریخی: فضای صدور، واکنش اهل بیت (ع) و مرحله‌ی انتقال به فتوا پیگیری می‌گردد.

با بررسی رجالی و فهرستی روایت خمس در هدیه ضعف دوجانبه‌ی روایت نمایان شد: ابن ادریس که به ضعف در حدیث و رجال و نسخه‌شناسی متصف شده و اشتباهات متعدد او در مستطرفات سرائر مشهود است، روایتی پالایش و حذف شده توسط بزرگان محدثان را از کتابی که در قم از آن اعراض شده گزارش می‌کند و خود بر خلاف آن روایت می‌دهد. اگر چه روایت اجر مغنیة دارای اعتبار رجالی و فهرستی است، اما با واکنش اهل بیت (ع) به فضای صدور بحث غنا و عمل اصحاب، هم‌گرا نیست. به نظر می‌رسد در برخی مذاهب شیعه، مانند اسماعیلیه و واقفیه، غنا در عروسی جایز و اجرت بر غنا حلال بوده است. این امر در مقطعی از زمان در بین اصحاب امام صادق(ع) و امام کاظم (ع) اختلاف ایجاد کرده است. اما در ادامه‌ی حیات علمی امامیه قول به جواز غنا در عروسی و حلال بودن اجرت بر غنا حذف گردیده است. به هر حال، بنا بر مبنای حجیت تعبدی خبر واحد امکان عمل به روایت اجر مغنیة وجود دارد.

منابع

ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة في غریب الحدیث و الأثر، قم، اسماعیلیان، چاپ ۴، ۱۳۶۷ش.
ابن‌ادریس، محمدبن احمد، السرائر، قم، مؤسسه نشر إسلامی، چاپ ۲، ۱۴۱۰ق.
ابن‌براج، عبدالعزیز بن نحریر، المهذب، تحقیق: جعفر سبحانی تبریزی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق.
ابن حزم ظاهری، علی بن أحمد، المحلی بالآثار، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
ابن حیون، نعمان بن محمد، الایضاح، بیروت، لبنان، موسسة الاعلمی، ۱۴۲۸ق.
______، دعائم الإسلام، قم، موسسة آل البیت (ع) لإحیاء التراث، چاپ ۲، ۱۳۸۳ش.
ابن ماجه قزوینی، محمدبن یزید، سنن ابن ماجه. بیروت، دار الرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ق.
ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، الکافي في الفقه، تحقیق: رضا استادی، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین علی (ع)، بی‌تا.

ابـي شـيبة، أبوبكـر، الكتـاب المصنـف فـي الأحاديـث والآثـار، تصحيـح: عبداللـه بـن محمدبـن إبراهيـم، ريــاض، مكتبــة الرشــد، ۱۴۰۹ق.
احمدبـن عيسـی، رأب الصـدع (امالـی الامـام احمدبـن عيسـی بـن زيدبـن علـی (ع)، بيـروت، دار النفائـس، ۱۴۱۰ق.
اسد، ناصرالدين، القيان و الغناء فی العصر الجاهلی، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۸م.
اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی، بيروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۹۴م.
امـام رضـا (ع)، علـی بـن موسـی، الفقـه المنسـوب للإمـام الرضـا عليـه السـلام و المشـتهر بفقـه الرضـا، قـم، موسسـة آل البيـت (ع) لإحيـاء التـراث، ۱۴۰۶ق.
امينی، عبدالحسين، الغدير، تهران، كتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۶ش.
انصاری، مرتضی بن محمدامين، المكاسب، قم، الأمانة العامة، ۱۴۱۵ق (الف).
______________، كتاب الخمس (انصاری)، قم، الأمانة العامة، ۱۴۱۵ق (ب).
بخاری، محمدبن إسماعيل، صحيح البخاري، بيروت، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
برقی، احمدبن محمد، المحاسن، قم، دار الكتب الإسلامية، چاپ ۲، بی‌تا.
بروجردی، سيدحسين، جامع احاديث الشيعه، قم، واصف لاهيجی، ۱۴۳۳ق.
بغدادی، ابوبكر، تاريخ بغداد، بيروت، دار الغرب الإسلامي، ۲۰۰۲م.
پاكتچـی، احمـد، گرايـش هـای فقـه اماميـه در سـده دوم و سـوم هجـری قمـری، فرهنگسـتان علـوم، ۱۳۷۵ش، جلـد ۴، شـماره ۳، صـص ۱۱-۲۸.
جزيری، عبدالرحمن بن محمدعوض، الفقه علی المذاهب الأربعة، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
حرّ عاملی، محمد، رسالة فی الغناء، در غناء، موسيقی، قم، بوستان كتاب، ۱۴۱۹ق.
حسـينی شـيرازی، سـيدعلی‌رضا، اعتبارسـنجی احاديـث شـيعه؛ زيرسـاخت‌ها، فراينده‌هـا، پيامدهـا، تهـران، سـمت، ۱۳۹۷ش.
حلـی، حسـن بـن يوسـف، تذكـرة الفقهـاء (ط القديمـة: الإجـارة إلـی النـكاح)، تهـران، مكتبـة المرتضويـة، ۱۳۸۸ش.
______________، خلاصه‌الاقوال فی معرفه‌الرجال، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۷ق.
حميری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، موسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۳۷۱ش.
خداميان آرانی، مهدی، الصحيح فی فضل الزيارة‌الحسينية، مشهد، بنياد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۳۲ق.
__________، الصحيح فی فضل الزيارة‌الرضوية، مشهد، بنياد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۳۰ق.
__________، فهارس الشيعة، قم، موسسة تراث الشيعة، ۱۳۸۹ش.
خوئی، سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، بی جا، بی نا، چاپ ۵، ۱۳۷۲ش.
__________، موسوعة الإمام الخوئي، قم، توحيد، ۱۴۱۸ق.
__________، معجم رجال‌الحديث و تفصيل طبقات‌الرواه، قم، مركز نشر آثار شيعه، ۱۳۶۹ش.
رحمـان سـتايش، محمدكاظـم؛ محمدرضـا جديـدی نـژاد، بازشناسـی منابـع اصلـی رجـال شـيعه، قـم، دارالحديـث، ۱۳۸۴ش.
رحمـت اللـه، مليحـه، «الغنـاء والموسـيقی والمجالـس الاجتماعيـة فـي العصـر العباسـي»، التاريخيـة المصريـة، ۱۹۶۹م، جلـد ۱۵، صفحـات ۸۹-۱۰۸.
زمخشری، محمودبن عمر، الكشاف، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق.
زيدبن علی، مسند الامام زيد (المجموع الفقهی)، بيروت، دارالكتب العلمية، بی‌تا.
سبحانی تبريزی، جعفر، الـمواهب في تحرير أحكام المكاسب، قم، مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۳۸۲ش.
سـرخئی، احسـان، اعتبارسـنجی روايـات شـيعه بـر پايـه ارزيابـی منابـع مكتـوب (تـا قـرن پنجـم هجـری) (پايان‌نامـه سـطح ۴)، دانشـگاه حـوزه علميـه قـم، ۱۳۹۴ش.

سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، المراسم في الفقه الإمامي، قم، منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور في التفسیر بالمأثور، قم، مکتبة آیةالله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
شبیری زنجانی، سید جواد، خارج فقه، قم، ۲۷ /۳/ ۱۳۹۹
شبیری زنجانی، سیدموسی، جرعه‌ای از دریا، قم، موسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۸۹ش.
شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، مؤسسة آل البیت (ع) لاحیاء التراث، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ۲، ۱۴۱۰ق.
شوکانی، محمدبن علی، نیل الأوطار، مصر، دار الحدیث، ۱۴۱۳ق.
شیرازی، سیدرضا؛ ملکی، محمود، «ارزیابی احادیث به روش «تحلیل فهرستی»: دیدگاه ها و مبانی»، مطالعات قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۴۰۱ش، ش ۳۰، صص ۲۵-۵۶.
شیبانی، أحمدبن محمد بن حنبل، مسند الإمام أحمدبن حنبل، قاهرة، دار الحدیث، ۱۴۱۶ق.
صدوق، محمدبن علی، المقنع، قم، پیام امام هادی (ع)، ۱۴۱۵ق.
________، الهدایة (في الأصول و الفروع)، قم، مؤسسة إمام الهادي (ع)، ۱۴۱۸ق.
________،عیون أخبار الرضا (ع)، تهران، جهان، بی‌تا.
________، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ ۲، ۱۳۹۵ش.
________، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دار الأضواء، چاپ ۶، ۱۴۰۵ق.
________، من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسة نشر إسلامی، چاپ ۲، ۱۳۶۳ش.
ضیف، شوقی، الشعر و الغناء فی المدینة و مکة لعصر بنی امیة، قاهره، دارالمعارف، چاپ الطبعة الثالثة، بی‌تا.
طباطبایی، علی بن محمدعلی، ریاض المسائل (ط. القدیمة)، قم، موسسة آل البیت (ع) لإحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
طبری آملی، محمدبن جریر، دلائل الإمامة، قم، موسسة البعثة، ۱۴۱۳ق.
طبری، محمدبن جریر، جامع البیان في تأویل القرآن، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ق.
طوسی، محمدبن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ ۴، ۱۳۶۳ش.
________، الفهرست، قم، مکتبة المرتضویة، بی‌تا.
________، النهایة في مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دار الکتاب العربی، چاپ ۲، ۱۴۰۰ق.
________، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ۴، ۱۳۶۵ش.
________، رجال الطوسي، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ۳، ۱۴۲۷ق.
________، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، قم، مکتبة المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
عاملی، محمدجواد بن محمد، مفتاح الکرامة في شرح قواعد العلامة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹ق.
عریضی، علی بن جعفر، مسائل عليّ بن جعفر و مستدرکاتها، مشهد، موسسة آل البیت (ع) لإحیاء التراث، ۱۳۶۸ش.
عسقلانی، ابن حجر، فتح الباري شرح صحیح البخاري، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۷۹ش.
علوی کوفی، محمدبن علی، الجامع الکافی فی فقه الزیدیة، یمن، مؤسسه المصطفی الثقافیة، ۱۴۳۵ق.
عمادی حائری، سید محمد، بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ش.
فخرالمحققین، محمدبن حسن، إیضاح الفوائد في شرح إشکالات القواعد، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۷ش.

فرامــرز قراملکــی، احــد، روش‌شناســی مطالعــات دینــی (تحریــری نــو)، مشــهد، دانشــگاه علــوم اســلامی رضــوی، ۱۳۸۷ش.
قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۶۴ش.
کلینی، محمدبن یعقوب، الکافي (اسلامیه)، تهران، دار الكتب الإسلامية، چاپ ۵، ۱۳۶۳ش.
________________، اصول کافی، قم، اسوه، چاپ ۳، ۱۳۷۵ش.
مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۸ش.
مددی، سید احمد، (خارج اصول). http://www.ostadmadadi.ir
__________، نگاهی به دریا، قم، موسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۳ش.
مصری، عبدالله بن وهب، الموطأ، الدمام، بیروت، دار ابن الجوزی، ۱۹۹۹م.
مفید، محمدبن محمد، المقنعة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ۲، ۱۴۱۰ق.
مقیمــی، ســیدمحمد، «روش مــوردکاوی و کاربردهــای آن در علــوم انســانی»، روششناســی علــوم انســانی، ۱۳۸۶ش، جلــد ۵۰، شــماره ۱۳، صــص ۷۱-۱۰۲.
مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة (كتاب التجارة)، قم، مدرسة الإمام علي بن أبي طالب (ع)، ۱۴۲۶ق.
منتجب‌الدین، علی بن عبیدالله، الفهرست، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۳۶۶ش.
موسوی خلخالی، محمدمهدی، فقه الشيعة (الخمس)، قم، دارالبشیر، ۱۳۸۵ش.
مؤیــدی، مجدالدیــن بــن محمــد، البــلاغ الناهــی عــن الغنــاء و آلات المناهــی، یمــن، مکتبــة اهــل البیــت(ع)، چــاپ ۲، ۱۴۳۶ق.
میرزایــی، احمــد، بررســی روایــات بــه روش فهرســتی، مشــهد، موسســه مطالعــات راهبــردی علــوم و معــارف اســلام، ۱۳۹۷ش.
نجاشی، احمدبن علی، رجال النجاشي، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ۶، ۱۳۶۵ش.
نیسابوری، مسلم بن حجاج، المسند الصحيح، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۴ش.